

جایگاه و نقش تفکر انتقادی در ارتقای علوم انسانی: ضرورت‌ها، راهکارها و پیامدها

حمیده پاک‌مهر*

چکیده

توسعه علوم انسانی تا حد زیادی به تغییر در نظام آموزش عالی کشور وابسته است و چنین امری، مستلزم بازنگری در برنامه‌های درسی موجود می‌باشد. از یکسو، یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، نشان می‌دهد که پژوهش در زمینه‌ی علوم انسانی نسبت به سایر حوزه‌ها، همواره از ارزش کمتری برخوردار بوده است و از سوی دیگر نیز، نظام ناکارآمد ارزش‌دهی به فعالیت‌های فکری در حوزه‌ی علوم انسانی و ضعف خودباوری از موانع پیشرفت این علوم بوده و در نهایت موجب مسئله محور نبودن آن شده است. تا زمانی که دید نقادانه در بین دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی وجود نداشته باشد، امکان ایجاد هر گونه تحول و بازنگری در این حوزه بی‌معنا خواهد بود. لذا در این جهت ضرورت تدریس تفکر انتقادی در طول دوران تحصیل در رشته‌های مختلف علوم انسانی، کاملاً مشهود است و توسعه و ارتقای این حوزه جز از طریق توجه به تفکر انتقادی و سایر مهارت‌های وابسته به آن میسر نخواهد شد. با توجه به اهمیت تفکر انتقادی در رشد و توسعه‌ی رشته‌های مختلف علوم انسانی، در این مطالعه بر آن شدیم تا با روشن ساختن واژه‌ی تفکر انتقادی، ویژگی‌های این نوع تفکر و مشخصه‌های متفکر انتقادی، روش‌های ترویج و لزوم به کار گیری و پیامدهای

* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد

آن را در این حوزه بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: تفکر انتقادی، ارتقاء علوم انسانی، مهارت‌های تفکر انتقادی، مسئله محوری، برنامه درسی.

مقدمه

انتقال دانشجویان از دنیای خودمحور مبتنی بر تجربیات شخصی محدود، به قلمروی انتزاعی‌تر و متضمن حقایق متعدد، به عنوان یکی از اهداف اصلی هر نظام دانشگاهی در نظر گرفته می‌شود. به گفته‌ی وایتهد^۱، هر چند که ثمره‌ی واقعی تعلیم و تربیت یک فرایند فکری است (مایرز^۲، ۱۳۷۴: ۸-۳۶)، بخش اعظم دانش تعلیم و تربیت، به جای تمرکز بر دستیابی به استعدادهای نهفته‌ای که امکان شکوفا کردن آن‌ها وجود دارد، روی مهارت‌های خاص (مهارت‌های پایه: خواندن، نوشتن و حساب کردن) تمرکز دارد (فیشر^۳، ۱۳۸۵: ۹). تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که توسعه‌ی مهارت‌های فکری به عنوان اولویت اصلی در برنامه‌ریزی‌های مراکز آموزشی در نظر گرفته شده است (شعبانی، ۱۳۷۸). البته، مسئله‌ای که به طور دائم در نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد، کیفیت تفکر دانشجویان است؛ یعنی تفکر مطلوب؛ که اگرچه به طرق گوناگون توصیف شده است، اصطلاحی که عموماً برای نوع تفکری که نظام‌های آموزشی، سعی در تأیید و ترغیب آن دارند، به کار می‌رود، تفکر انتقادی^۴ است (مارزینو^۵ و همکاران، ۱۳۸۰: ۶۰) که باید به عنوان یک مهارت شناختی در اهداف اصلی نظام‌های آموزشی قرار بگیرد (هالپرن^۶، ۲۰۰۱). یک مطالعه‌ی زمینه‌یابی ملی در ایالات متحده‌ی آمریکا نمایان ساخت که به عقیده‌ی سیاستمداران، دست اندرکاران و مربیان آموزشی، تفکر انتقادی باید به

-
1. Whithead
 2. Myers
 3. Fisher
 4. Critical thinking
 5. Marsano
 6. Halpern